پژوهشی در تراث رضوی علیه‌السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی ـ
سیدمصطفی مطهری، رضا یاری
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۰ ـ ۳۹

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

پژوهشی در تراث رضوی علیه‌السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی

سید مصطفی مطهری *
رضا یاری **

چکیده: این گفتار، مروری است بر میراث مکتوب بازمانده از ۹۴ تن راویان امام رضا علیه‌السلام که به تفکیک انواع نوشته‌ها معرفی شده است. که نوشته‌اند. نمونهٔ یک نسخه کتاب المسائل از حسین بن مهران، و نسخهٔ عبدالله بن محمد تمیمی رازی در پی آمده است. مبنای اصلی مقاله، دو کتاب رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه‌السلام – میراث مکتوب / راویان امام رضا علیه‌السلام – آثار / المسائل حسین بن مهران (کتاب)/ نسخهٔ عبدالله بن محمد تمیمی‌رازی (کتاب) / رجال نجاشی (کتاب) / فهرست طوسی (کتاب).

---

*. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث.
**. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث (دارالحدیث). Reza_yari_57@yahoo.com

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

مقدمه

پژوهش درباره تراث (میراث فرهنگی و معنوی) روایی شیعه می‌تواند نتایج پرفایده‌ای را در معرفی و شناخت عمیق‌تر از معارف امامیه رقم بزند. در میان این تراث علمی، آثار مکتوب انتقال یافته از امام رضا علیه‌السلام ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که پژوهش‌های جدیدی را ضروری می‌نماید.

علاوه بر انتقال تراث منقول از آن امام همام در قالب‌های گوناگون، مجموعه‌های انتقال یافته، به لحاظ کمی نیز، از ضابطه‌مندی بیشتری در نشر برخوردار هستند. در این راستا باید به نقش برجسته و ممتاز دو عالم بزرگ شیعی، ثقةالاسلام کلینی و شیخ صدوق در بهره‌گیری و انتقال حداکثری این میراث توجه نمود. همچنین دقت‌های کم نظیر مرحوم نجاشی و شیخ طوسی در ارائه گزارشهای روشن و دقیق از مجموعه تراث علمی شیعه خصوصاً این تراث، علاوه بر کاستن از دشواری‌های عرصهٔ بازسازی تراث، به شناخت جامع‌تری از آثار امام رضا علیه‌السلام کمک کرده است.

نوشتهٔ حاضر توضیحات کوتاهی درباره یکی از همین گروه فعالیت‌های متمرکز در عرصهٔ بازخوانی تراث منقول از امام رضا علیه‌السلام است که بر اساس دو کتاب فهرستی پیش گفته در حال تکمیل است. این تلاش دو محور اصلی دارد:

محور نخست عهده دار معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار شامل کتاب، مکاتبه، نسخه، رساله، مسند، نسخه است.

محور دوم به ارائه آگاهی‌هایی از قبیل شخصیت شناسی صاحب اثر، طرق به اثر یا آثار و نیز بازشناسی این آثار در قالب‌های ذکر شده می‌پردازد.

آنچه در پی می‌آید، مختصری از شیوهٔ مورد استفاده در این فعالیت به همراه معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار است که دو نمونه از آن ـ شامل دو نوشته با قالب‌های مسائل و نسخه ـ نیز ارائه شده‌اند.

لازم به ذکر است نتیجه فعالیت حاضر، در قالب یک کتاب جامع، در پژوهشکده کلام اهل بیت وابسته به پژوهشگاه قران و حدیث، در آستانه چاپ قرار دارد.

۱. شیوه کار

کلیات شیوه مورد استفاده در این فعالیت چنین بوده است:

۱ـ۱. تهیه فهرستی از تراث رضوی، بر اساس داده‌های دو عالم و فهرست نگار بزرگ شیعه، شیخ طوسی و مرحوم نجاشی.

از آنجا که کتاب فهرستی مرحوم نجاشی نسبت به گزارشهای شیخ، حاوی گزارشهای کاملتری درباره تراث رضوی به لحاظ کمی و کیفی است، به عنوان محور اصلی ارجاعات قرار گرفته و گزارشهای شیخ طوسی به عنوان تکملهٔ آن بیان شده است. به عبارت دیگر آنجا که مرحوم نجاشی متذکر اثری منقول از امام رضاعليه‌السلام نشده، از گزارش شیخ استفاده شده است. بنابراین در این مرحله، این دیدگاه که نجاشی کتاب خود را ناظر به فهرست شیخ نوشته، چندان مورد لحاظ واقع نشده است، زیرا هدف اطلاع یافتن از همه گزارشهای مربوط بوده است.

۱–۲. بررسی‌هایی درباره روایات رضویِ مصنّفانی که گزارشی از آثار آنان در دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی ارائه شده است.

این بررسی در دو بخش انجام شده است:

بخش نخست در مورد گروهی از اصحاب امام رضاعليه‌السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/کتب ذکر کرده‌اند، اما آن را مستقیما به امام رضاعليه‌السلام منسوب نکرده‌اند. در این بخش بررسی‌های محدودی ـ بر اساس کتب اربعه و *وسائل الشیعه* صورت گرفته است تا برخی موارد مانند ارزیابی انتقال تراث ایشان به این کتب مشهوره مشخص، و زوایای این دست گزارشها روشن‌تر شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

بخش دوم درباره گروهی از اصحاب امام رضا علیه‌السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/ کتب ذکر کرده‌اند و آن را مستقیما به امام رضا علیه‌السلام منسوب کرده‌اند. در این مرحله ابتدا همانند مرحله پیشین عمل شده است. این بخش هدف اصلی کار بوده است، لذا گردآوری مجموعه روایات مربوط به قالب‌های مختلف تراث رضوی با لحاظ پیشینه این گروه تلاش‌ها و توجه به مواردی همانند جمع‌آوری، یکسان‌سازی و گزینش انجام شده است.

۱-۳. در مرحله بعد توضیحاتی درباره شخصیت شناسی صاحب اثر، بررسی گزارشها از نحوه انتساب اثر یا آثار و طرق به آن در صورت نیاز، و به تناسب موارد، بر اساس دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی و نیز مجامع روایی صورت پذیرفته است.

۲. معرفی گونه‌های تراث امام رضا علیه‌السلام

بی‌تردید تلاش اصحاب امامیه در بهره‌گیری از علم عالم اهل بیت علیهم‌السلام چه در شرایط پیچیده پس از شهادت امام کاظم علیه‌السلام و چه پس از آن و در دوران هجرت امام از مدینه به مرو، امری پر واضح است[۱]. همچنین روند گسترش شهرهای شیعی و بسط ید آن امام، خصوصاً در دوران مأمون عباسی تاثیر بسزائی در نشر معارف امامیه داشته است.

به همین جهت، تلاش فزایندهٔ عالمان و اصحاب امامیه در بهره‌مندی از دانش آن حضرت، سبب پدید آمدن قالب‌های گوناگون و متنوع میراث روایی امام رضا(علیه‌السلام) شد که به جرات می‌توان گفت در میان همه اهل بیت علیهم‌السلام تنوع قالبی و دقت بیشتری در سطح انتقال دارد.

---

۱. نمونه‌ای از اوج این بهره گیری را می‌توان در جریان نقل روایت *سلسلة الذهب* مشاهده نمود. تعداد گزارشگران از جریان ورود امام رضا علیه‌السلام به نیشابور در منابع اهل سنت، ده هزار نفر(خنجی اصفهانی، بی تا: ۳٤٥)، بیست هزار نفر(ابن صباغ مالکی، ۱٤۰۹: ۲٤۳؛ ابن حجر هیثمی، ۱٤۱۷، ۳: ٥۹٥؛ سمهودی، ۱٤۰۷: ۳٤٤)، سی هزار نفر(خنجی اصفهانی، ۲۲۹: ۱۳۷٥) گزارش شده، و البته روایت بیست هزار مشهور است.

البته ممکن است عناوین و الفاظ بکار رفته در گزارشهای کتب فهرستی درباره این تنوع قالب‌ها، به لحاظ تعریف علمی هم‌پوشانی داشته باشند، ولی برای رعایت امانت در نحوه گزارش این گروه کتب، همان عناوین و الفاظ را در مسیر مطالعات به کار گرفتیم.

۲ـ۱. کتاب[۱]

بیشترین عنوان به‌کار رفته در مجموع گزارش‌ها، به واژه «کتاب» اختصاص دارد که خود شامل دو گونه می‌شود:

الف: کتاب‌هایی که به جهت کیفیت انتساب به راوی و امام، به روشنی در بردارنده کلام امام رضاعليه‌السلام است. برای نمونه می‌توان به کتاب داود بن سلیمان اشاره نمود که نجاشی در ترجمه وی چنین آورده است: «له کتاب عن الرضاعليه‌السلام».[۲]

ب: کتاب‌هایی که به احتمال زیاد حاوی روایاتی از چند امام از جمله امام رضاعليه‌السلام می‌باشد. این احتمال، از آنجا ناشی می‌شود که مصنِّف، در شمار راویان از امام رضاعليه‌السلام یاد شده، اما کتاب او همانند قسم اول به صورت مستقیم به امام نسبت داده نشده است. برای نمونه نجاشی در ترجمه «ابراهیم ابی الکرام» و «ابراهیم بن ابی محمود» آورده است: «روی عن الرضاعليه‌السلام، له کتاب»[۳]. در این موارد بر اساس جستجوهای انجام شده می‌فهمیم که راوی/ مصنف دارای روایاتی با سند واحد از امام رضاعليه‌السلام و از امام دیگر

۱. در تعریف این کلمه، گفته‌اند: ان الکتاب مستعمل في کلمات الرجالیین في معناه المتعارف، و هو اعم مطلقا من الاصل و النوادر(*فوائد الوحید*، ص۳۲).یطلق علی الاصل کثیرا، و ربما یطلق فی مقابل الاصل، و ربما یطلق علی النوادر فی مقابل الکتاب(*فوائد الوحید*، ص۳۲-۳۳). قیل: الکتاب ما کان فیه کلام المعصوم و کلام مصنفه ایضا(فوائد الوحید،ص۳۳). قیل: الکتاب ما کان مبوبا و مفصلا(*فوائد الوحید*، ص۳۴). ان الکتاب اعم من الاصل(*عده الرجال*، ج۱، ص۹۵؛ *نهایه الدرایه*، ص۵۲۹). الکتاب اعم مطلقا من الاصل و النوادر، بل الجمیع حتی التصنیف و التالیف فی العرف المتاخر، و ان کان احیانا یطلق بعضها علی بعض، اما للمناسبه او بناء علی خلاف الااصطلاح المتجدد (*توضیح المقال*، ص۲۳۵؛ *مقباس الهدایه*، ج۳، ص۳۲-۳۳). به نقل از کتاب معجم *مصطلحات الرجال و الدرایه*، ص۱۲۵-۱۲۶.

۲. *رجال النجاشی*، ص۱۶۱، ر۴۲۶.

۳. همان، ص۲۱، ر۲۹ و ص۲۵، ر۴۳.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

است که مجموع این روایات بر اساس معیارهای بازیابی متون، کتاب مصنِّف مورد نظر را سامان می‌دهد. برای نمونه می‌توان به روایت سلیمان بن جعفر بن ابراهیم اشاره کرد.

۲ـ ۲. مسائل[۱] / مکاتبه[۲]

اصحاب امامیه پرسش‌های خود را از امامان، گاه به صورت شفاهی و گاه به صورت کتبی پرسیده‌اند. این مسائل، گاه در طول زمان و یا یک‌جا مطرح شده است. مانند مسائل محمد بن سنان و مسائل احمد بن عمر الحلال. نجاشی، درباره ارتباط این گروه نوشته‌ها با امامان چنین می‌آورد: «له عنه علیه السلام مسائل».[۳] البته ممکن است این نحوه پرسش در مواردی به نحو مکاتبات نیز بوده است، اما به نظر می‌رسد حجم میان مسائل و مکاتبات متفاوت باشد. در نمونه دیگر نجاشی در ترجمه «محمد بن احمد بن عبدالله بن مهران»، مکاتبه‌ای را برای پدر وی در ارتباط با امام رضا علیه السلام گزارش کرده است.[۴] البته در ترجمه «احمد بن عبدالله»، تنها از دو کتاب برای وی خبر می‌دهد[۵] که بعید است مکاتبه مذکور یکی از آن دو کتاب باشد.

۱. هی مجموعة مختصة بماسألها صاحب الکتاب من احد الائمة فی مسائل متفرقة. معجم *مصطلحات الرجال و الدرایة*، ص۱۵٦.

۲. هو ما حکی کتابة المعصوم سواء کتبه ابتداء لبیان حکم او غیره، او فی مقام الجواب. و هل یخصّ بکون الکتابة بخطه الشریف؟ ظاهر بعض العبائر و صریح اخر الاختصاص، و التعمیم غیر بعید. *لب اللباب*(میراث حدیث شیعه، دفتر دوم)، ص٤٥٥؛ *توضیح المقال*، ص۲۷٦؛ *مقباس الهدایة*، ج۱، ص۲۸۳.

۳. رجال النجاشی، ص۹۹، ر۲٤۸ و ص۳۲۸، ر۸۸۸.

٤. همان، ص۳٤٦، ر۹۳٥.

٥. همان، ص۳٤٦.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۲ـ۳. مسند[۱]

امام رضاعليه‌السلام بر اساس ضروریات زمان و مخاطب، گاه در بیان روایت، آن را به اسناد خود از پدرانشان از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم می‌کردند. در این باره شیخ طوسی، از مسندی از امام رضاعليه‌السلام در ترجمه «اسماعیل بن علی» نام برده است.[۲]

۲ـ۴. رساله[۳]

امامان شیعه گاه بر اساس ضرورت‌های زمانی، نوشته‌هایی را به یکی از اصحاب/ اشخاص در قالب نامه/ رساله ارسال می‌نمودند، همان‌گونه که گاه رساله‌هایی از طرف اصحاب/ اشخاص به ایشان ارسال می‌شده است. نمونه‌ای از این رساله‌ها، نامه‌ای از امام رضاعليه‌السلام به ابراهیم بن ابی البلاد است که نجاشی آن را چنین می‌آورد: «کان للرضا عليه‌السلام‌الیه رسالة».[۴] البته رساله‌ها گاه همپوشانی‌هایی با مسائل/ مکاتبه‌ها دارند.

۲ـ۵. نسخه[۵]

نجاشی از گروهی مکتوبات با عنوان نسخه یاد کرده است که به احتمال، مراد وی، تمییز میان آثار یک مولف و یا نسخه‌های یک مجموعه نقل شده از یک مصنف

---

۱. هو الحدیث الذی اتصل سنده مرفوعا من راویه الی منتهاه الی المعصوم، و اکثر ما یستعمل فی ما جاء عن النبی. و یقال له: «المتصل» و «الموصول» ایضاً. *الرعایة فی علم الدرایة*، ص۹۶؛ *وصول الاخیار*، ص۱۰۰؛ *الرواشح السماویة*، ص۱۲۷؛ *جامع المقال*، ص٤؛ *توضیح المقال*، ص۲۷۲؛ *نهایة الدرایة*، ص۱۸٦؛ *مقباس الهدایة*، ج۱، ص۲۰۲.

۲. الفهرست، ص۳۲، ر۳۷.

۳. هی المراسلات التی جرت بین الاصحاب و الائمة، و حفظت و دونت حول مسالة واحدة غالبا، او موضوع معین. الرسالة من قبلهم تقضی بعدالة الرجل و وثاقتة (*تنقیح المقال*، ج۱، ص۲۱۰). الرسالة من قبلهم عليهم‌السلام لیست بدلیل علی حسن (*قاموس الرجال*، ج۱، ص۷۰). به نقل از معجم *الرجال* ص ۶۸.

٤. نجاشی، ص۲۲، ر۳۲.

٥. هی عنوان عام لبعض رسائل صغیرة من مؤلفات القرون الاولی، تحتوی علی مسائل و احکام عملیة دینیة، فهی من مصادر التشریع، وهی کالاصول الاربعمئة، یرویها الراوی لها عن مصنفه مع الواسطه، فیعبر عنها بنسخة فلان عن فلان ... .فلعل النسخه اسم لکتاب جمع فیه احکام تاسیسیه وضعها الامام و املاه علی الرواری، فی قبال الاصل الذی هو کتاب جمع فیه احکام امضائیه، نقلها الراوی (وهو المصنف للاصل او الراوی عن آبائه) ثم عرضها علی الامام، و اخذ تاییده لها (*الذریعه*، ج۲٤، ص۱٤۸). ان نسخه قریبة من الاصل فی کونها مروية (*الذریعه*، ج۲٤، ص۳۱۸). به نقل از معجم *مصطلحات الرجال و الدرایة*، ص ۱۸۳.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

بوده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این مطلب را می‌توان در ترجمه «احمد بن عامربن سلیمان» مشاهده نمود.[1]

۳. فهرست تراث رضوی

هر چند تعداد راویان از امام رضاعليه‌السلام بیش از تعداد کسانی است که گزارش آثار آنها ارائه شده است، با این همه می‌توان از فهرست زیر - که بر اساس دو فهرست مرحوم نجاشی و شیخ طوسی فراهم شده است - به عنوان مجموعه گزارش شده از آثار روایی منسوب به امام رضاعليه‌السلام یاد نمود.

در جدول زیر، عنوان صاحب اثر (به ترتیب الفبای افراد)، ارجاع به کتاب فهرستی مرحوم نجاشی و یا الفهرست مرحوم شیخ طوسی = «ست» و بیان قالب اثر ارائه شده است. همچنین کتاب، مشتمل بر روایات، مواردی است که فهرستین به نقل روایت راوی از امام رضاعليه‌السلام تصریح یا اشاره کرده‌اند و برای آن راوی نگاشته‌ای را بصورت مستقیم به امام منتسب نکرده‌اند. دراین موارد، از تعبیر «کتاب مشتمل بر روایات» و با رمز «*» استفاده شده است که می‌رساند نقل روایت از امام رضاعليه‌السلام منحصر به نقل آن کتاب توسط آن راوی نیست.

---

۱. رجال النجاشی، ص۱۰۰، رقم۲۵۰.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

	صاحب اثر	شماره صفحه در رجال نجاشی[1]	قالب نگاشته بر اساس فهرستین
۱.	إبراهیم بن أبی البلاد	۲۲	رساله
۲.	إبراهیم بن أبی الکرام	۲۱	کتاب مشتمل بر روایات
۳.	إبراهیم بن أبی محمود	۲۵	*
۴.	إبراهیم بن بشر	۲۳	مسائل
۵.	إبراهیم بن‌هاشم أبو إسحاق	۱۱ ست	*
۶.	أحمد بن الحسن بن إسماعیل	۷۴	*
۷.	أحمد بن عامر بن سلیمان	۱۰۰و ۲۲۹	نسخه
۸	أحمد بن عبدالله بن مهران	۳۴۶	مکاتبه
۹.	أحمد بن عمر الحلال	۹۹	مسائل
۱۰.	أحمد بن عمر بن أبی شعبهٔ	۹۸	*
۱۱.	أحمد بن محمد بن عمرو	۷۵	کتاب[2]
۱۲.	إدریس بن عبد الله بن سعد	۱۰۴	*
۱۳.	إسحاق بن آدم بن عبد الله	۷۳	*
۱۴.	إسماعیل بن علی (بن علی)	۳۳ ست	مسند
۱۵.	إسماعیل بن مهران بن ابی نصر	۲۷	*
۱۶.	إسماعیل بن همام بن عبد الرحمن	۳۰	*
۱۷.	الحسن بن الجهم بن بکیر	۵۰	*
۱۸.	الحسن بن علی بن زیاد	۴۰	مسائل
۱۹.	الحسین بن سعید بن حماد	۱۵۰ ست	*
۲۰.	الفضل بن شاذان بن الخلیل	۳۰۷	[کتاب]العلل و *
۲۱.	جعفر بن بشیر البجلی	۱۱۰ ست	کتاب

۱. شماره‌های صفحات ، مطابق با کتاب *رجال نجاشی* است که به عنوان محور بحث قرار داده شده است. در صورتی که عنوان مذکور تنها بر گرفته‌از *فهرست* شیخ طوسی باشد در همان جا با تعبیر «ست» به همراه شماره صفحه آن، ازاین مصدر یاد می‌شود.

۲. عنوان «کتاب» بر اساس انتساب مستقیم کتاب آن راوی به امام رضا علیه السلام می‌باشد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۲۲.	حبیب بن المعلل الخثعمی	۱۴۱	*
۲۳.	الحسن بن علی بن فضال	۳۶و۲۵۸	کتاب یا نسخه
۲۴.	الحسن بن محبوب السراد	۱۲۳ست	*
۲۵.	الحسن بن محمد بن الفضل	۵۱	نسخه و *
۲۶.	الحسن بن محمد بن سهل النوفلی	۳۸	[کتاب] مجالس وکتاب
۲۷.	الحسین بن محمد بن الفضل	۵۶	[کتاب] مجالس
۲۸.	الحسین بن مهران بن محمد	۵۶	مسائل
۲۹.	حمدان بن المعافی أبو جعفر	۱۳۸	*
۳۰.	حمزة بن یعلی الأشعری	۱۴۱	*
۳۱.	دارم بن قبیصة بن نهشل	۱۶۲	*
۳۲.	داود بن القاسم الجعفری	۱۸۲	مسائل
۳۳.	داود بن سلیمان بن جعفر	۱۶۱	کتاب
۳۴.	داود بن علی الیعقوبی	۱۶۰	*
۳۵.	داود بن کثیر الرقی	۱۵۶	*
۳۶.	الریان بن الصلت	۱۶۵	*
۳۷.	زکریا بن إدریس بن عبد الله	۱۷۳	*
۳۸.	زکریا بن آدم بن عبد الله	۱۷۴	مسائل و *
۳۹.	زیاد بن مروان أبو الفضل	۱۷۱	*
۴۰.	سعد بن سعد بن الأحوص	۱۷۹	مسائل و *
۴۱.	سعد خادم أبی دلف	۲۱۶ ست	مسائل
۴۲.	سعید بن جناح	۱۹۲	*
۴۳.	سعید بن جناح الأزدی	۱۸۲	*
۴۴.	سلیمان بن جعفر بن إبراهیم	۱۸۳	*
۴۵.	صباح بن نصر الهندی	۲۰۲	مسائل
۴۶.	صفوان بن یحیی ابومحمد	۱۹۸	*
۴۷.	العباس بن هلال الشامی	۲۸۲	نسخه
۴۸.	عبد الرحمن بن أبی نجران	۲۳۶	*

۴۹.	عبد السلام بن صالح	۲۴۵	کتاب
۵۰.	عبد العزیز بن المهتدی	۲۴۵	*
۵۱.	عبد العزیز بن یحیی	۲۴۴	کتاب
۵۲.	عبد الله بن الصلت أبو طالب	۲۱۷	*
۵۳.	عبد الله بن سعید بن حیان	۲۱۷	کتاب
۵۴.	عبد الله بن علی بن الحسین	۲۲۷	نسخه
۵۵.	عبد الله بن محمد بن حصین	۲۲۷	مسائل
۵۶.	عبد الله بن محمد بن علی	۲۲۸	نسخه
۵۷.	عثمان بن عیسی أبو عمرو	۳۰۰	کتاب
۵۸.	علی بن أسباط بن سالم	۲۵۳	*
۵۹.	علی بن الحسن بن رباط	۲۵۱	*
۶۰.	علی بن النعمان الأعلم	۲۷۴	*
۶۱.	علی بن سیف بن عمیرة النخعی	۲۷۸	*
۶۲.	علی بن علی بن رزین	۲۷۷	کتاب
۶۳.	علی بن مهدی بن صدقة	۲۷۸	کتاب
۶۴.	علی بن مهزیار الأهوازی	۲۵۴	*
۶۵.	عمرو بن سعید المدائنی	۲۸۷	*
۶۶.	الفتح بن یزید الجرجانی[1]	۳۱۱	مسائل
۶۷.	کلثوم بنت سلیم	۳۱۹	کتاب
۶۸.	محمد بن أبی عمیر زیاد	۳۲۷	*
۶۹.	محمد بن الحسن بن زیاد	۳۶۳	*
۷۰.	محمد بن القاسم بن الفضیل	۳۶۲	*
۷۱.	محمد بن جمهور أبو عبدالله	۳۳۷	رساله و *
۷۲.	محمد بن سنان أبو جعفر	۳۲۸	مسائل
۷۳.	محمد بن سهل بن الیسع	۳۶۸	مسائل
۷۴.	محمد بن صدقة العنبری	۳۶۴	*

۱. در اصل پژوهش به‌نحوه گزارش نجاشی و شیخ درباره او توجه شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۷۵.	محمد بن عبد الله بن عمرو	۳۶۶	نسخه
۷۶.	محمد بن علی بن الحسین	۳۶۶	نسخه
۷۷.	محمد بن عمرو بن سعید	۳۶۹	نسخه
۷۸.	محمد بن عیسی بن عبد الله	۳۳۸	*
۷۹.	محمد بن فضیل بن کثیر	۳۶۷	مسائل
۸۰	مرزبان بن عمران	۴۲۳	*
۸۱	معاویهٔ بن حکیم بن معاویه	۴۱۲	*
۸۲	معاویهٔ بن سعید	۴۱۱	مسائل
۸۳	معمر بن خلاد	۴۱۲	*
۸۴	مقاتل بن مقاتل البلخی	۴۲۴	کتاب
۸۵	موسی بن سلمهٔ	۴۰۹	کتاب
۸۶	نصر بن قابوس اللخمی	۴۲۷	کتاب
۸۷	وریزهٔ بن محمد الغسانی	۴۳۲	کتاب
۸۸	هارون بن عمر بن عبدالعزیز	۴۳۹	*
۸۹	هاشم بن إبراهیم العباسی	۴۳۶	کتاب
۹۰.	الهیثم (هیثم) بن عبدالله	۴۳۶	کتاب
۹۱.	یحیی بن الحسن بن جعفر	۴۴۲	*
۹۲.	یاسر الخادم	۵۱۵ست	مسائل
۹۳.	یونس بن عبد الرحمن	۴۴۷	*
۹۴.	یونس بن یعقوب بن قیس	۴۴۶	*

۴ـ نمونه‌های تطبیقی

۴-۱. گزارشی در قالب المسائل

ـ *الحسین بن مهران ابو عبدالله* [۱]

۱. ابن غضائری، ۵۱.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

از وی با تعبیر «ابن‌ابی‌نصرالسکونی»[1] نیز یاد شده است. در حالی که برقی و ابن-غضائری وی را از جمله اصحاب امام کاظم علیه‌السلام ذکر کرده‌اند[2]، شیخ طوسی در رجال، او را از اصحاب امام رضاعلیه‌السلام یاد می‌کند[3] و کشّی نیز به تفصیل به گزارشی از وی و ارتباط او با امام رضاعلیه‌السلام پرداخته است.[4] نجاشی، اما با جمع میان این دو رأی، او را از اصحاب هر دو امام برشمرده است.[5]

آنچه درباره اعتقادات وی در کتب رجالی گزارش شده، حاکی از تردیدها و شبهاتی است که وی درباره امامت امام رضاعلیه‌السلام داشته است به نحوی که وی را در ردیف معتقدان به جریان واقفه قرار داده است. هر چند به روشنی از سرانجام این اعتقاد وی اطلاعی در دست نیست. با این همه دو گزارش از کشی درباره وی قابل ملاحظه است. نخست گزارشی از مجلس محمد بن الفضیل با امام رضاعلیه‌السلام است که امام رضاعلیه‌السلام خطاب به "الحسین بن مهران" فرموده‌اند: «اذهب الله نور قلبک و ادخل الفقر بیتک»[6].

دوم گزارش مکاتبه‌ای از ابن مهران به امام در جهت حل شبهات و مسائلی درباره موضوع واقفه است که امام پاسخ پرسش‌های وی را برای او ارسال می‌کند. امام به الحسین بن مهران دستور عدم کتمان می‌دهد، لذا برای اطلاع یافتن اصحاب از محتوای آن، استنساخ شده است.[7]

تقدم و تاخر این دو گزارش چندان روشن نیست. با این همه گزارشی از حضور سران واقفه – از جمله ابن مهران – در ابتدای امامت امام رضاعلیه‌السلام در نزد ایشان،

۱. رجال النجاشی، ٥٦.
۲. برقی، ٥١؛ ابن غضائری، ٥١.
۳. رجال الطوسی، ٣٥٥.
٤. رجال کشی، ص٥٩٩، رقم١١٢١.
٥. رجال النجاشی، ٥٦.
٦. رجال کشی، ٤٠٦.
۷. همان، ٥٩٩.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

می‌تواند گواهی بر تاخر دعای امام باشد[1]. ابن غضائری با تعبیر «واقف ضعیف» از وی یاد می‌کند.[2] شیخ در طریق خود به کتاب وی، از فهرست حمید بن زیاد بهره جسته است[3]. از دیگر سو در کتب روایی شیعه تنها یک روایت از وی به نقل از امام رضا علیه‌السلام گزارش شده است که صفوان بن یحیی ناقل آن بوده است. در این روایت، دو سؤال فقهی ابن مهران از امام رضا علیه‌السلام به همراه جواب آن آمده است.[4]

کم شمار بودنِ نقل از وی، خود می‌تواند گواهی بر دقت عالمان امامیه در دوره‌های بعدی در عدم نقل احادیث وی باشد که ممکن است منشاء اعتقادی داشته باشد. با این ملاحظه، می‌توان جانب واقفی بودن را ترجیح داد.[5]

در میان عالمان رجالی و فهرست نگاران متقدم، شیخ طوسی و ابن غضائری، کتابی برای وی برشمرده‌اند، کشّی از مکاتبه‌ای از وی با امام یاد کرده است و نجاشی ضمن اشاره به نقل وی از امام کاظم و امام رضا علیهما‌السلام به وجود نگاشته‌ای با قالب مسائل اشاره می‌کند.[6]

درباره این گزارشها دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه وی یک نوشته با دو تعبیر کتاب و المسائل داشته است. دراین صورت تک روایت صفوان از وی، به نقل از همان کتاب و یا به تعبیر دیگر المسائل است. دوم تعدد این تعابیر است، بدین معنا که وی دو اثر با قالب‌های کتاب و المسائل داشته است.

البته به علت کمی روایات وی، نمی‌توان قضاوت درستی از اتحاد یا عدم اتحاد این دو اثر ارائه نمود، اما توجه به دو نکته بسیار مهم است: نخست این احتمال است که

---

۱. *عیون اخبار الرضا*، ج۲، ص۲۱٤.
۲. *رجال* النجاشی؛ ابن غضائری، همان
۳. *الفهرست*، ص ۱٤۷
٤. *الکافی*، ج٦، ص۱٥٦.
٥. علامه حلی علاوه بر بهره گیری از کلمات نجاشی و ابن غضائری، از تعبیرات قلیل المعرفه بالرضا و ضعیف الیقین استفاده کرده است. *الخلاصه*، ص ۲۱٦.
٦. منابع پیشین.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

مراد از مسائل مجموعه روایاتی باشد که صفوان نمونه‌ای از آن را با عنوان مسائل الحسین بن مهران یاد کرده است و نامهٔ ذکر شده توسط کشّی، همان کتابی است که شیخ نام برده است. دوم آنکه در هر دو گزارش نجاشی و شیخ، طریق نقل به عبیدالله بن احمد بن نهیک ختم می‌شود.

از این رو، و با توجه به تأخّر نجاشی و دقّت وی، می‌توان حکم به اتّحاد این کتاب و مسائل نمود. دراین صورت مکاتبه نقل شده توسط کشی، همان المسائل به شمار می‌آید. و می‌توان چنین احتمال داد که عنوان مسائل، برگرفته از قسمت پایانی نامه‌ای است که کشی آن را گزارش می‌کند، و امام در آنجا می‌فرماید: فقد اجبتک فی مسائل کثیره.[1]

ـ منابع روایی؛

اصول کافی، ج۶، ص۱۵۸، ح۲۰؛ *رجال*الکشی، ص۶۰۰، رقم۱۱۲۱

ـ متن المسائل؛

بر اساس روایت *رجال*الکشی ص ۶۰۰، رقم۱۱۲۱

«حمدويه قال حدثنا الحسن بن موسى قال حدثنا إسماعيل بن مهران عن أحمد بن محمد قال كتب الحسين بن مهران إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام كتابا. قال: فكان يمشي شاكّاً في وقوفه، قال: فكتب إلى أبي الحسن عليه السلام يأمره و ينهاه، فأجابه أبو الحسن عليه السلام بجواب و بعث به إلى أصحابه فنسخوه و رد إليه، لئلا يستره حسين بن مهران. و كذلك كان يفعل إذا سأل عن شيء فأحبّ ستر الكتاب. و هذه نسخة الكتاب الذي أجابه به:

بسم الله الرحمن الرحيم. عافانا الله و إياك. جاءني كتابك تذكر فيه الرجل الذي عليه الخيانة و العين، تقول أخذته و تذكر ما تلقاني به و تبعث إليّ بغيره، و احتججت فيه فأكثرت و عِبت عليه أمرا و أردت الدخول في مثله، تقول إنه عمل في أمري بعقله و

۱. *رجال* کشی، ص۶۰۳.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

حيلته، نظرا منه لنفسه و إرادة أن تميل إليه قلوب الناس ليكون الأمر بيده و إليه، يعمل فيه برأيه و يزعم أني طاوعته فيما أشار به عليّ

و هذا أنت تشير عليّ فيما يستقيم عندك في العقل و الحيلة بعدك، لا يستقيم الأمر إلا بأحد أمرين: إما قبلت الأمر على ما كان يكون عليه، و إما أعطيت القوم ما طلبوا و قطعت عليهم، و إلّا فالأمر عندنا معوج، و الناس غير مسلّمين ما في أيديهم من مال و ذاهبون به

فالأمر ليس بعقلك و لا بحيلتك يكون، و لا تفعل الذي تجيله بالرأي و المشورة، و لكنّ الأمر إلى الله عز و جل وحده لا شريك له، يفعل في خلقه ما يشاء. من يهدي الله فلا مضلّ له و من يضلله فلاهادي له، و لن تجد له مرشدا

فقلت و أعمل في أمرهم و أحتل فيه، و كيف لك الحيلة؟ و الله يقول: (و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعدا عليه حقا) [النحل /۳۸] في التوراة و الإنجيل إلى قوله عز و جل (و ليقترفوا ما هم مقترفون)[الانعام/۱۱۳].

فلو تجيبهم فيما سألوا عنه استقاموا و سلّموا و قد كان منّي ما أنكرتَ و أنكروا من بعدي و مدّ لي لقائي، و ما كان ذلك مني إلا رجاء الإصلاح لقول أمير المؤمنين صلوات الله عليه: اقتربوا اقتربوا، و سلوا و سلوا، فإن العلم يفيض فيضا؛ و جعل يمسح بطنه و يقول: ما ملئ طعام و لكن ملأه علم، و الله ما آية نزلت في بَرّ و لا بحر و لا سهل و لا جبل إلّا أنا أعلمها و أعلم فيمن نزلت

و قول أبي عبد الله عليه‌السلام: إلى الله أشكو أهل المدينة إنما أنا فيهم كالشّعر أتنقل، يريدونني على أن لا أقول الحقّ، و الله لا أزال أقول الحق حتى أموت. فلما قلت حقا أريد به حقن دمائكم، و جمع أمركم على ما كنتم عليه أن يكون سرّكم مكنوناً عندكم غير فاش في غيركم، و قد قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله سرّاً أسرّه الله إلى جبريل، و أسرّه جبريل إلى محمد، و أسرّه محمد إلى عليّ صلوات الله عليهم، و أسرّه عليّ إلى من شاء

ثم قال: قال أبو جعفر عليه السلام: ثم أنتم تحدّثون به في الطريق، فأردت حيث مضى صاحبكم أن ألّف أمركم عليكم لئلا تضيّعوه في غير موضعه، و لا تسألوا عنه غير أهله فتكونوا في مسألتكم إياهم هلكتم، فكم دعيّ إلى نفسه و لم يكن داخله

ثم قلتم: لا بد إذا كان ذلك منه، يثبت على ذلك و لا يتحول عنه إلى غيره. قلت: لأنّه كان من التقية و الكف أوّلاً، و أما إذ تكلم فقد لزمه الجواب فيما يسأل عنه، فصار الذي كنتم تزعمون أنكم تذمّون به، فإنّ الأمر مردود إلى غيركم، و إنّ الفرض عليكم اتباعهم فيه إليكم. فصيّرتم ما استقام في عقولكم و آرائكم، و صحّ به القياس عندكم بذلك لازما، لما زعمتم من أن لا يصحّ أمرنا زعمتم حتى يكون ذلك عليّ لكم

فإن قلتم إن لم يكن كذلك لصاحبكم فصار الأمر إن وقع إليكم، نبذتم أمر ربكم وراء ظهوركم (فلا أتبع أهواءكم قد ضللت إذا و ما أنا من المهتدين) [الانعام/۵۶] و ما كان بدّ من أن تكونوا كما كان من قبلكم، قد أخبرتم أنها السنن و الأمثال، القذّة بالقذّة، و ما كان يكون ما طلبتم من الكفّ أولاً و من الجواب آخراً، شفاء لصدوركم و لا ذهاب شككم. و ما كان بدّ من أن يكون ما قد كان منكم، و لا يذهب عن قلوبكم حتى يُذهبه الله عنكم

و لو قدر الناس كلهم على أن يحبّونا و يعرفوا حقنا و يسلّموا لأمرنا، فعلوا. (و لكن الله يفعل ما يشاء و يهدي إليه من أناب) [الرعد/۲۷]

فقد أجبتك في مسائل كثيرة، فانظر أنت و من أراد المسائل منها و تدبرها. فإن لم يكن في المسائل شفاء، فقد مضى إليكم منّي ما فيه حجة و معتبر، و كثرة المسائل معيبة عندنا مكروهة. إنما يريد أصحاب المسائل المحنة، ليجدوا سبيلا إلى الشبهة و الضلالة. و من أراد لبساً لبس الله عليه و وكله إلى نفسه. و لا ترى أنت و أصحابك أنّي أجبت بذلك. و إن شئت صمتّ، فذاك إليّ لا ما تقوله أنت و أصحابك، لا تدرون كذا و كذا، بل لا بدّ من ذلك، إذ نحن منه على يقين، و أنتم منه في شك.»

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۴-۲. گزارشی در قالب نسخه

ـ عبدالله بن محمد بن علی بن عباس

در گزارش مرحوم نجاشی درباره توثیق یا تضعیف وی سخنی گفته نشده، هر چند که بیان مفصل عنوان صاحب اثر ـ عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی الرازی ـ می‌تواند اشاره‌ای به جایگاه اجتماعی خاندان او داشته باشد. شیخ نیز به ترجمه وی نپرداخته است. مجموعه یکپارچه روایت وی در *عیون اخبار الرضا*[علیه‌السلام] نقل شده است[۱] که طریق به آن همانند نجاشی[۲] است و سایر مصادر – که چند سطر بعد، یاد می‌شود – نیز تنها بر اساس همین طریق، نسخه را نقل کرده‌اند. غالب این مجموعه، روایات نبوی است و در سلسله اسناد، امامان شیعه قرار دارند. در پاره‌ای از روایات، ناقل روایت از پیامبر، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و یا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است.

مرحوم صدوق برای جلوگیری از تکرار اسناد، پس از ذکر یک سند، این مجموعه را با دو عبارت «بهذا الاسناد» و «باسناده» آورده است. شایان ذکر است این مجموعه مشتمل بر روایات کلامی‌در اثبات امامت، منزلت و مقامات اهل بیت است.

عنوان کامل صاحب نسخه، عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی‌الرازی است[۳] که فرزندش ابومحمد الحسن از وی نقل کرده است، اما در اسناد بصورت معمول، از جد عبدالله یعنی علی نامی برده نشده است. مثلا چنین آمده است: «الحسن بن عبدالله بن محمد بن العباس».

---

۱. *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، ج۲، ص۵۸ ـ ۶۸، ح۲۱۴ـ۳۱۴
۲. *رجال* النجاشی، ص۲۲۸، رقم۶۰۳.
۳. رجال النجاشی، همان.

نکته دیگر آنکه در طریق مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضاعليه‌السلام، الحسن بن عبدالله بن محمد یعنی فرزند صاحب نسخه این اثر را بدون واسطه از امام نقل کرده است.[1] اما در خلال بیان این مجموعه، مرحوم صدوق به روایت الحسن بن عبدالله بن محمد از پدرش از امام رضاعليه‌السلام اشاره می‌کند.[2]

همچنین تمامی گزارشهای پراکنده در سایر کتب، مانند: *دلائل الامامه*، *کمال الدین*، *الامالی للصدوق*،[3] *الخصال* و... در مجموعه گزارشهای عیون اخبار الرضاعليه‌السلام یافت می‌شود.

منابع روایی

*عیون أخبار الرضا*عليه‌السلام، ج۲، ص ۵۸ الی ۶۸، ح۲۱۴ الی ۳۱۴؛ *الأمالی* للصدوق ص۷۷، ح۷ و ص۲۳۶، ح۱۰ و ص۳۳۴، ح؛ *الخصال* ج۱، ص۳۱، ح۱۰۸ و ص۳۰۳، ح۸۰ ؛ *کمال الدین* ج۱، ص۲۳۹، ح۵۸؛ *دلائل الإمامة*، ص۴۵۲، ح۴۲۸/ ۳۲؛ *کنز الفوائد*، ج۱، ص۳۲۷.

متن نسخه؛

بر اساس *عیون أخبار الرضا*عليه‌السلام ج: ۲ ص : ۵۸ الی ۶۴، روایات ۲۱۴ تا ۳۱۴؛

۱ . حدثنا محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن البراء الجعابی قال حدثنی أبو محمد الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازی التمیمی قال حدثنی سیدی علی بن موسی الرضاعليه‌السلام قال حدثنی أبی موسی بن جعفر قال حدثنی أبی محمد بن علی قال حدثنی أبی علی بن الحسین قال حدثنی أبی الحسین بن علی قال حدثنی أبی علی بن أبی طالبعليه‌السلام قال: قال رسول اللهصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: من مات و لیس له إمام من ولدی، مات میتة جاهلیة و یؤخذ بما عمل فی الجاهلیة و الإسلام.[4]

---

۱. عیون أخبار الرضا(عليه‌السلام)، ج۲، ص۵۸، ح۲۱۴؛ کنز الفوائد، ج۱،ص۳۲۷.
۲. عیون أخبار الرضا(عليه‌السلام)، ج۲، ص۶۴،ح۲۷۸.
۳. امالی صدوق، ص۷۷، ح۷ و عیون أخبار الرضا(عليه‌السلام)، ص۶۴، ح۲۵۵.
۴. *کنز الفوائد*، ج۱، ص۳۲۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۲. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: أنا و هذا یعنی علیا یوم القیامة کهاتین، و ضم بین إصبعیه، و شیعتنا معَنا، و من أعان مظلومنا کذلك.

۳. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: من أحبّ أن یتمسّك بالعروة الوثقی، فلیتمسك بحبّ علیّ و أهل بیتی.

۴. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: الأئمة من ولد الحسین علیه‌السلام، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله عز و جل. هم العروة الوثقی و هم الوسیلة إلی الله عز و جل.

۵. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: أنت یا علیّ و ولدای خیرة الله من خلقه.

۶. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: خُلقت أنا و علی من نور واحد[۱].

۷. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: من أحبّنا أهل البیت، حشره الله تعالی آمنا یوم القیامة.

۸. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لعلیّ: من أحبك کان مع النبیین فی درجتهم یوم القیامة، و من مات و هو یبغضك فلا یبالی مات یهودیا أو نصرانیاً.

۹. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فی قول الله عز و جل «و قفوهم إنهم مسؤلون»[۲] قال عن ولایة علی علیه‌السلام.

۱۰. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لعلی و فاطمة و الحسن و الحسین علیه‌السلام و العباس بن عبد المطلب و عقیل: أنا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم.

۱۱. و بهذا الإسناد قال: قال علی علیه‌السلام قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: أنت منی و أنا منك.

۱۲. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: یا علی! أنت خیر البشر، لا یشكّ فیك إلا کافر[۳].

۱۳. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: ما زوّجت فاطمة إلّا لما أمرنی الله بتزویجها.

۱۴. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و أعن من أعانه و انصر من نصره و اخذل من خذله و اخذل عدوه، و کن له و لولده، و اخلفه فیهم بخیر، و بارك لهم فیما تعطیهم، وایدهم بروح القدس، و احفظهم حیث

---

۱. *الخصال* ج۱، ص۳۱، ح۱۰۸؛ *الأمالي* للصدوق، ص۲۳۶، ح۱۰ و فی سندهما «حدثني أبي»

۲. صافات (۳۷) / ۲۴.

۳. *الأمالي* للصدوق ص۷۷، ح ۷ و فی سنده «قال حدثني أبي، عبد الله بن محمد بن علي بن العباس بن هارون التميمي» التميمي»

توجّهوا من الأرض، و اجعل الإمامة فيهم، و اشكر من أطاعهم، و أهلك من عصاهم، إنك قريب مجيب.

۱۵. و بإسناده قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: علیّ أول من اتبعنی، و هو أول من يصافحنی بعد الحق.

۱۶. و بهذا الإسناد قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: يا علی! أنت تبرئ ذمتی و أنت خليفتی علی أمتی.

۱۷. و بإسناده قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: لا تقوم الساعة حتی يقوم قائم للحق منا، و ذلك حين يأذن الله عز و جل له. و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك. الله الله! عباد الله فأتوه و لو علی الثلج، فإنه خليفة الله عز و جل و خليفتی[1].

۱۸. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و هو آخذ بيد علی [علیه السلام]: من زعم أنّه يحبّنی و لا يحبّ هذا فقد كذب.

۱۹. و بإسناده قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: توضع يوم القيامة منابر حول العرش لشيعتی و شيعة أهل بيتی المخلصين فی ولايتنا. و يقول الله عز و جل: هلمّوا يا عبادی إلیّ لأنشرن عليكم كرامتی، فقد أوذيتم فی الدنيا.

۲۰. و بإسناده عن علی قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: خلقتَ يا علی! من شجرة خلقتُ منها؛ أنا أصلها و أنت فرعها، و الحسين و الحسن أغصانها، و محبّونا ورقها. فمن تعلّق بشیء منها، أدخله الله عز و جل الجنة.

۲۱. و بإسناده عن الحسن بن علی عن أبيه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا يبغضك من الأنصار، إلّا من كان أصله يهوديا.

۲۲. و بإسناده قال: قال علی علیه السلام إنه لعهد النبی صلی الله علیه و آله الأمی إلیّ أنه لا يحبّنی إلا مؤمن و لا يبغضنی إلا منافق.

۲۳. و بإسناده قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: لا يحل لأحد يجنب فی هذا المسجد، إلّا أنا و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و من كان من أهلی، فإنهم منی[2].

۲۴. و بإسناده قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: لا يری عورتی غير علی إلّا كافر.

---

۱. *دلائل* الإمامة، ص۴۵۲، ح۴۲۸/ ۳۲ و فی سنده «عن ابيه».

۲. *الأمالي* للصدوق، ص۳۳۴، ح۵.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۲۵. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: ترِد شیعتك یوم القیامة رِواءً غیرَ عطاشٍ، و یرِد عدوّك عِطاشاً یستسقون فلا یُسقَون.

۲۶. و بإسناده قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: بغض علیّ کفر، و بغض بنی هاشم نفاق.

۲۷. و بإسناده قال: قال علی علیه‌السلام: دعا لی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فقال: اللهم اهد قلبه و اشرح صدره و ثبّت لسانه، و قِهِ الحر و البرد.

۲۸. و بإسناده قال: قال علی علیه‌السلام: أمرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین.

۲۹. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: تعوّذوا بالله من حب الحزن.

۳۰. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: لا یؤدّی عنی إلّا علیّ، و لا یقضی عداتی إلّا علیّ.

۳۱. و بإسناده عن علی علیه‌السلام عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله أنه قال لبنی هاشم: أنتم المستضعفون بعدی.

۳۲. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: خیر مال المرء و ذخائره الصدقة.

۳۳. و بإسناده عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: عفوت لکم عن صدقة الخیل و الرقیق.

۳۴. و بإسناده عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله أنه قال: خیر إخوانی علی، و خیر أعمامی حمزة و العباس صنو أبی.

۳۵. و بإسناده عن علی عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: الاثنان و ما فوقهما جماعة.

۳۶. و بإسناده عن علی عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: المؤذّنون أطول الناس أعناقاً یوم القیامة.

۳۷. و بإسناده عن علی عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله أنه قال: المؤمن ینظر بنور الله.

۳۸. و بإسناده عن علی عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: باکروا بالصدقة، فمن باکر بها لم یتخطّاه الدعاء.

۳۹. و بإسناده قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: الحسن و الحسین خیر أهل الأرض بعدی و بعد أبیهما و أمهما أفضل نساء أهل الأرض.

۴۰. و بإسناده عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: خیر نساء رکبن الإبل، نساء قریش أحناه علی زوج.

۴۱. و بإسناده عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: من جاءکم یرید أن یفرّق الجماعة و یغصب الأمة أمرها و یتولی من غیر مشورة فاقتلوه، فإن الله عز و جل قد أذن ذلك.

۴۲. و بإسناده عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: نزلت هذه الآية «الذين ينفقون أموالهم بالليل و النهار سرا و علانية»[1] فی علیّ.

۴۳. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله فی قوله عزوجل «و تعيها أذن واعية»[2] قال: دعوت الله أن يجعلها أذنك يا علی.

۴۴. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: ما رأيت أحدا أبعد ما بين المنكبين من رسول الله.

۴۵. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: أول ما يسأل عنه العبد، حبنا أهل البيت.

۴۶. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: إنی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتی و لن يفترقا حتی يردا علی الحوض[3].

۴۷. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: كان النبی صلی الله علیه و آله يضحی بكبشين أملحين أقرنين.

۴۸. و بإسناده عن علی علیه السلام: دعا لی النبی صلی الله علیه و آله أن يَقِيَنی الله عز و جل الحرّ و البرد.

۴۹. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: أنا عبد الله و أخو رسوله، لا يقولها بعدی إلا كذّاب.

۵۰. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال لی النبی صلی الله علیه و آله: فيك مثل من عيسی، أحبّه النصاری حتی كفروا، و أبغضه اليهود حتی كفروا فی بغضه.

۵۱. و بإسناده قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: إن فاطمة أحصنت فرجها، فحرّم الله ذريتها علی النار.

۵۲. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: محبك محبی و مبغضك مبغضی.

۵۳. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: لا يحبّ عليا إلا مؤمن، و لا يبغضه إلا كافر.

۵۴. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: الناس من أشجار شتی، و أنا و أنت يا علی من شجرة واحدة.

۵۵. و بإسناده عن علی علیه السلام قال إن النبی صلی الله علیه و آله يتختّم فی يمينه.

۵۶. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: تقتل عمارا الفئة الباغية.

۵۷. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: من تولّی غير مواليه، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين.

۵۸. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: نهی النبی صلی الله علیه و آله: عن وطء الحبالی حتی يضعن.

---

۱. بقره (۲) / ۲۷۴.
۲. الحاقة (۶۹) / ۱۲.
۳. *کمال الدین*، ج۱، ص۲۳۹، ح۵۸ و فی سنده «حدثنی ابی».

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۵۹. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: الأئمة من قریش.

۶۰. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: من کان آخر کلامه الصلاة علیَّ و علی علیّ دخل الجنة.

۶۱. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: إنکم ستعرضون علی البراءة منّی، فلا تتبرءوا منّی فإنّی علی دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۶۲. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: لقد علم المستحفظون من أصحاب محمد أنّ أهل صفّین قد لعنهم الله علی لسان نبیه، و قد خاب من افتری.

۶۳. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال لی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: ما سلکتَ طریقاً و لا فجّاً إلّا سلك الشیطان غیر طریقك و فجّك.

۶۴. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: یقتل الحسین شرّ الأمّة و یتبرّأ من ولده من یکفر بی.

۶۵. حدثنا محمد بن عمر الحافظ قال حدثنا الحسن بن عبد الله التمیمی قال حدثنی أبی قال حدثنی سیدی علی بن موسی الرضا علیه‌السلام عن أبیه موسی بن جعفر عن أبیه جعفر بن محمد عن أبیه محمد بن علی عن أبیه علی بن الحسین عن أبیه الحسین عن فاطمة بنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إن النبی علیه الصلاة و السلام قال لعلی علیه‌السلام: من کنت ولیه، فعلی ولیه و من کنت إمامه فعلی إمامه.

۶۶. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: دفع النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله الرایة یوم خیبر إلیّ فما برحت حتی فتح الله علی یدی.

۶۷. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: أمرتُ أن أقاتل الناس حتی یقولوا لا إله إلا الله. فإذا قالوها فقد حرم علیّ دماؤهم و أموالهم.

۶۸. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال ما شبع النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله من خُبز بُرّ ثلاثةایام، حتی مضی لسبیله.

۶۹. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: سلمان منا أهل البیت.

۷۰. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: أبو ذر صدیق هذه الأمة.

۷۱. و بهذا الإسناد عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: من قتل حیّةً فقد قتل کافرا.

۷۲. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: یا علی لا تُتبع النظرة، النظرة؛ فلیس لك إلا أول نظرة.

۷۳. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: إن النبی صلی الله علیه و آله و سلم لما وجّهنی إلی الیمن، قال: إذا تقوضی إلیك، فلا تحکم لأحد الخصمین دون أن تسمع من الآخر. قال: فما شککت فی قضاء بعد ذلك.

۷۴. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: لعن الله الذین یجادلون فی دینه، أولئك ملعونون علی لسان نبیه [علیه و آله السلام]

۷۵. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: «و السابقون السابقون»[1] فیّ نزلت. و قال علیه السلام فی قوله عز و جل «أولئك هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون»[2] فیّ نزلت.

۷۶. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: من قرأایة الکرسی مائة مرة، کان کمن عبد الله طول حیاته.

۷۷. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: خیرکم من أطاب الکلام و أطعم الطعام، و صلّی باللیل و الناس نیام.

۷۸. و بإسناده عن علی علیه السلام أنه ذکر الکوفة، فقال: یدفع عنها البلاء کما یدفع عن أخبیة النبی صلی الله علیه و آله و سلم.

۷۹. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: من کذّب بشفاعة رسول الله، لم تنله.

۸۰. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: لا تذهب الدنیا حتی یقوم رجل من ولد الحسین، یملؤها عدلا کما ملئت ظلما و جورا.

۸۱. و بإسناده عن علی علیه السلام أنه شرب قائما و قال: هکذا رأیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم فعل.

۸۲. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: العلم ضالّة المؤمن.

۸۳. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: من غشّ المسلمین فی مشورة، فقد برئت منه .

۸۴. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: نحن أهل البیت لا یقاس بنا أحد، فینا نزل القرآن و فینا معدن الرسالة.

۸۵. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أنا مدینة العلم و علی بابها.

۸۶. و بإسناده عن علی علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: إن الله عز و جل اطّلع علی أهل الأرض اطلاعة فاختارنی، ثم اطلع الثانیة فاختارك بعدی، فجعلك القیّم بأمر أمتی من بعدی، و لیس أحد بعدنا مثلنا.

---

۱. واقعة (۵۶) /۱۰.
۲. مؤمنون (۲۳) /۱۰-۱۱.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۸۷. وبهذا الإسناد عن علی علیه‌السلام فی قول الله عز و جل «و له الجوار المنشآت فی البحر کالأعلام»[۱] قال: السفن.

۸۸. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: عمار علی الحق حین یقتل بین الفئتین إحدی الفئتین، علی سبیلی و سنتی، و الأخری مارقة من الدین خارجة عنه.

۸۹. و بإسناده قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: سدّوا الأبواب الشارعة فی المسجد إلّا باب علی علیه‌السلام.

۹۰. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: إذا متّ ظهرت لك ضغائن فی صدور قوم یتمالئون علیك و یمنعونك حقك.

۹۱. و بإسناده قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: کفّ علیّ کفیّ.

۹۲. و بإسناده عن الحسین بن علی علیه‌السلام قال: ما کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إلّا ببغضهم علیاً و ولده علیه‌السلام.

۹۳. و بإسناده عن الحسین بن علی علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: الجنة تشتاق إلیك و إلی عمّار و سلمان و أبی ذر و المقداد[۲].

۹۴. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: إن أمتی ستغدر بك بعدی، و یتبع ذلك برّها و فاجرها.

۹۵. و بإسناده قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: من سبّ علیاً فقد سبنی و من سبّنی، فقد سبّ الله.

۹۶. و بإسناده قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: أنت یا علیّ فی الجنة، و أنت ذو قرنیها.

۹۷. و بإسناده عن الحسین بن علی علیه‌السلام قال: خطبنا أمیر المؤمنین علیه‌السلام فقال: سلونی عن القرآن، أخبرکم عن‌ایاته فیمن نزلت واین نزلت.

۹۸. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: إنی أحبّ لك ما أحبّ لنفسی، و أکره لك ما أکره لها.

۹۹. و بإسناده عن الحسین بن علی علیه‌السلام قال: قال لی بریدة: أمرنا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله أن أسلّم علی أبیك بإمرة المؤمنین.

۱۰۰. و بإسناده عن الحسین بن علی علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لعلی: بشّر لشیعتك أنی الشفیع لهم یوم القیامة یوم لا ینفع إلّا شفاعتی.

---

۱. الرحمن (۵۵) / ۲۴.
۲. الخصال، ج۱، ص۳۰۳، ح۸۰.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۱۰۱. و بإسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: وسط الجنة لی و لأهل بیتی.

۶ـ دامنه منابع مورد جستجو

منابع مورد استفاده دراین پژوهش که از طریق نرم افزار جامع احادیث مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از؛

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی‌اللآلی*، ۴ج، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ه.ق.

۲. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی، *العمده*، ۱ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ه.ق.

۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *التحصین*، ۱ج، قم، امام مهدی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ه.ق.

۴. _____، *عده الداعی و نجاح الساعی*، مصحح: موحدی قمی، احمد، بی جا، مکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ه.ق.

۵. احمد بن موسی بن طاوس، *بناء المقالة الفاطمیة*، ۱ج، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۱ه.ق.

۶. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمة*، مصحح: مجتبی، فرجی، ۷ج، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ه.ق.

۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف‌الغمة*، ۲ج، تبریز، مکتبه بنی‌هاشم، ۱۳۸۱ه.ق.

۸. استرآبادی، سید شرف الدین حسینی، *تأویل‌الآیات‌الظاهرة*، ۱ج، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۹ه.ق.

۹. اسکافی، محمد بن همام، *التمحیص*، ۱ج، قم، مدرسه امام مهدی(عج)، ۱۴۰۴ه.ق.

۱۰. امام رضا علیه‌السلام، *صحیفة الرضا علیه‌السلام*، ۱ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶.

۱۱. _____، طب الرضا علیه‌السلام، ۱ج، قم، خیام، ۱۴۰۲ه.ق.

۱۲. _____، فقه الرضا علیه‌السلام، ۱ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶

۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، ۱ج، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ه.ق.

۱۴. حرانی، حسن بن شعبه، *تحف‌العقول*، ۱ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ه.ق.

۱۵. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد *التنزیل لقواعد التفضیل*، مصحح: محمدباقر محمودی، ۲ج، تهران، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۱ه.ق.

۱۶. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، ۱ج، تهران، کتابخانه نینوی، بی تا.

۱۷. سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، *التحصین*، ۱ج، قم، موسسه دارالکتب، ۱۴۱۳ه.ق.

۱۸. _____، *فرج‌المهموم*، قم، دارالذخائر، بی تا.

۱۹. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، *خصائص الائمه*، ۱ج، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ه.ق.

۲۰. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، ۱ج، نجف، کتابخانه حیدریه، بی تا.

۲۱. شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، ۴ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ه.ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۲۲. _____، *الغیبه*، قم موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ه.ق.

۲۳. _____، *تهذیب الأحکام*، ۱۰ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه.ش.

۲۴. _____، *مصباح المتهجد*، ۱ج، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ه.ق.

۲۵. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ۲۹ج، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ه.ق.

۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *معانی الاخبار*، ۱جلد، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ه.ق.

۲۷. _____، من لا یحضره الفقیه، ۴ج، قم، جامعه مدرسین،۱۴۱۳ه.ق.

۲۸. _____، *التوحید*، ۱ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ه.ق.

۲۹. _____، *ثواب الأعمال*، ۱ج، قم شریف رضی، ۱۳۶۴ه.ش.

۳۰. _____، *علل الشرایع*، قم، مکتبه الداوری، بی تا.

۳۱. _____، *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، جهان، ۱۳۷۸ه.ق.

۳۲. _____، *فضائل الاشهر الثلاثه*، قم، مکتبه الداوری، بی تا.

۳۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، کمال الدین و تمام النعمهٔ، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ه.ق.

۳۴. شیخ قطب الدین، سعید بن عبدالله بن حسین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، قم، موسسه امام مهدی(عج)، ۱۴۰۹ه.ق.

۳۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه.ق.

۳۶. _____، *الامالی*، مصحح: علی اکبر غفاری، ۱ج، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه.ق.

۳۷. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مصحح: سید محمدباقر خرسان، ۲ج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ه.ق.

۳۸. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، ۱ج، قم، بعثت، ۱۴۱۳ه.ق.

۳۹. عبدالله و حسین ابنا بسطام، *طب الأئمة(علیهم‌السلام)*، ۱ج، قم، شریف رضی،۱۴۱۱ه.ق.

۴۰. علامه زین الدین، علی بن یونس نباطی بیاضی، *الصراط المستقیم*، نجف، کتابخانه حیدریه،۱۳۸۴ه.ق.

۴۱. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، *بحار الانوار*، ۱۱۰ج، بیروت، موسسه الوفاء،۱۴۰۴ه.ق.

۴۲. علی بن‌هاشم بن ابراهیم قمی، *تفسیر القمی*، ۲ج، قم، موسسه دارالکتب، ۱۴۰۴ه.ق.

۴۳. عماد الدین، محمد بن ابی قاسم طبری، *بشارة المصطفی*، ۱ج، نجف اشرف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ه.ق.

۴۴. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، ۲ج، تهران، چابخانه علمیه، ۱۳۸۰ه.ق.

۴۵. کراجکی، محمد بن علی، *کنزالفوائد*، مصحح: نعمه، عبدالله، ۲ج، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ه.ق.

۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۸ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه.ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۴۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیرفرات*، ۱ج، چاپ و نشر، ۱۴۱۰ه.ق.
۴۸. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ه.ق.
۴۹. محمد بن حسن بن فروخ صفار، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه‌ایت الله مرعشی، ۱۴۰۴ه.ق.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیة*، ۱ج، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ه.ق.
۵۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۹ه.ق.
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل(خاتمه المستدرک)، ۲۸جلد، قم موسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه.ق.

سایر منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی‌اللآلی*، ۴ج، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ه.ق.
۲. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، *الصواعق المحرقة*، بیروت، موسسه الرسالة، ۱۴۱۷ه.ق.
۳. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۹ه.ق.
۴. استرآبادی، محمدجعفر شریعتمدار، *لب اللباب*، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸ه.ش.
۵. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، تحقیق: موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ه.ق.
۶. تهرانی، ملاعلی کنی، *توضیح المقال*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ه.ش.
۷. جدیدی نژاد، معجم *مصطلحات الرجال و الدرایة*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ه.ش.
۸. حارثی، حسن بن عبدالصمد، *وصول الاخیار الی اصول الاخبار*، تحقیق: عبدالطیف کوه‌کمری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۱ه.ق.
۹. حسینی، محمد بن محمدباقر، *الرواشح السماویة*، قم، موسسه ولی عصر، ۱۴۱۹ه.ق.
۱۰. خوئی، ابوالقاسم بن سید علی اکبر موسوی، *معجم رجال الحدیث*، ۲۳ ج، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ه.ق.
۱۱. خنجی، ابن روزبهان، *وسیلة الخادم الی المخدوم*، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ه.ش.
۱۲. سمهودی، علی بن عبدالله، *جواهر العقدین فی فضل الشرفین*، بغداد، وزارة الاوقاف، ۱۴۰۷ه.ق.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین علی بن احمد، *الرعایة فی علم الدرایة*، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانه‌ایة الله مرعشی، ۱۴۱۳ه.ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، *جامع المقال*، تحقیق: محمدکاظم طریحی، تهران، چاپخانه حیدریة، بی تا.
۱۵. عاملی کاظمی، سید حسن صدر، *نهایة الدرایة*، تحقیق: ماجد غرباوی، نشر مشعر، بی تا.
۱۶. *عدة الرجال*
۱۷. *فصلنامه کلام اسلامی*، ش۸۵، موسسه تعلیماتی ـ تحقیقاتی امام صادق(علیه‌السلام) ، ۱۳۹۲ه.ش.
۱۸. مامقانی، عبدالله ، *تنقیح المقال*، نجف اشرف، چاپخانه المرتضویة، بی تا.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]

۱۹. _____، *مقباس الهدایة*، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ه.ق.

۲۰. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، *فوائدالوحید*، تحقیق: سیدمحمدصادق بحرالعلوم، قم، مکتب اعلام اسلامی، ۱۴۰۴ه.ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.40.8.4]